

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع:

روشهای انتقال آموزه های دینی به فرزندان

*سیده مریم بنی هاشمی

*پایه اول سطح دوم مدرسه الزهرا (س) شهرستان گناوه سال تحصیلی ۱۳۹۵

چکیده

تربیت دینی فرزند یک ضرورت است کسانی که تربیت کودکان و نوجوانان خود را از وظایف خویش به حساب نمی آورند و بیشتر به امور روزمره ی خود می پردازند، باید منتظر پیامدهای این بی توجهی ها باشند. عمق بخشیدن به آموزه های دینی در کودکان و نوجوانان، آنان را از آسیب های اخلاقی و اجتماعی مصون می دارد؛ چرا که بسیاری از شرارت های افراد ناشی از نداشتن تربیت دینی و اخلاقی می باشد و درونی شدن ارزش های دینی باعث می شود آنان در برابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند. والدین و مربیان اگر بخواهند کودکان را با معارف دینی آشنا کنند و این امر را در آنان نهادینه سازند، باید از سنین کودکی و نوجوانی شروع کنند، زیرا فردا دیراست. در نظام تربیتی اسلامی آغاز تعلیم و تربیت با استفاده از روش شناسی و بررسی شیوه های صحیح تربیتی جایگاه ویژه ای دارد. درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می نشیند که نظریه های تربیتی در قالب شیوه های صحیح و درست به اجرا درآید. روش های الگوآفرینی، محبت، تشویق، بصیرت بخشی و روش قصه گویی مؤثرترین روش های قرآنی هستند که والدین و مربیان را در درونی کردن آموزه های دینی در کودکان و نوجوانان یاری می دهند.

کلید واژه ها: کودک و نوجوان، نهادینه کردن، روش شناسی، تربیت.

مقدمه

در رابطه با چگونگی آموزش مفاهیم دینی به کودکان اختلاف نظرهایی وجود دارد. گروهی معتقدند پیش از بلوغ نباید به کودک آموزش دینی داد و گروهی عکس این نظر را معتقدند. از نظر اسلام، به ویژه براساس سیره و رهنمودهای معصومان علیهم السلام، آموزش مفاهیم دینی از هنگام تولد شروع می شود و آموزش در دوره کودکی پایه و اساس در دوره های دیگر است. (۲) از طرفی، آموزش صحیح و مؤثر بدون در نظر

گرفتن توانایی ذهنی کودک مطلوب نیست و ممکن است کودک را نسبت به یادگیری دلسرد و یا در یادگیری او اختلال ایجاد نماید. از این رو، آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه امری بسیار مقدس و والا است، اما موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شناخت اصول و روش های آموزشی متناسب با آن است. به فرموده امام امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد: «ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ.» (۳)

آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بنابراین، همان گونه که شناخت خصوصیات و توانایی های کودکان در بهینه سازی آموزش مفاهیم دینی امری مسلم است، شناخت اصول و روش های مربوط به آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، اگر آموزش مفاهیم دینی کودکان بدون توجه به اصول و روش های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این سخن امام صادق علیه السلام خواهد بود که: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا»؛ (۴) کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می زند، مانند رونده در بیراهه ای است که هرچه سرعتش بیش تر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد. بنابراین، آنچه باید بدان توجه داشت و این نوشته نیز در پی آن می باشد، این است که درک و برداشت کودک از مفاهیم دینی با بزرگسالان یکسان نیست؛ آنان در حد ظرفیت ذهنی خود مطالب دینی را می فهمند و بر آن اساس، جهان بینی خود را می سازند. با توجه به سخن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «ما پیامبران موظفیم با هرکس مطابق درک و فهم او صحبت کنیم»، (۵) اگر آموزش مفاهیم دینی برای دانش آموزان دوره ابتدایی به گونه ای حساب شده صورت نگیرد، نه تنها از تأثیرات سازنده ای برخوردار نمی گردد، بلکه می تواند پیامدهای زیانباری به دنبال داشته باشد. از این رو، هدف اصلی این مقاله دستیابی

به اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان با مروری بر آیات و روایات اسلامی، نظرات دانشمندان تعلیم و تربیت و نیز اندیشمندان اسلامی است.

مفاهیم دینی

مقصود از دین در این پژوهش، دین اسلام است نه مطلق دین و نه هرگونه معرفتی که منشأ الهی و شهودی دارد. بر این اساس، محتوای دین اسلام به سه بخش تقسیم می شود: اعتقادات، اخلاق و احکام (قوانین). منظور از آموزش مفاهیم دینی همان مفاهیم اعتقادی دین اسلام است؛ زیرا مفاهیم اعتقادی که بنابر عقیده تشیع عبارت است از توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت در حقیقت، پایه و اساس معارف اسلامی را تشکیل می دهند؛ آموزش آن ها به کودکان دبستانی که در ادبیات روان شناختی ژان پیاژه در مرحله عملیات عینی قرار دارند از آموزش سایر معارف اسلامی مشکل تر به نظر می رسد. از این رو، ضروری است که در این پژوهش، توجه بیش تر خود را به شناسایی اصول و روش های مناسب در آموزش مفاهیم اعتقادی به کودکان اختصاص دهیم.

اصول آموزش مفاهیم دینی به کودکان

همان گونه که در بخش مفهوم شناسی گذشت، اصول عبارت است از قواعد و دستورالعمل های کلی مبتنی بر تعالیم دینی، پژوهش های روان شناسی و نظریات دانشمندان تعلیم و تربیت، که به منزله راهنمای عمل، در آموزش مفاهیم دینی به کودکان مورد استفاده قرار می گیرند. بنابراین، در این پژوهش، به بررسی این اصول می پردازیم.

اصل سهولت

منظور از اصل سهولت این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان را در نظر گرفت و از زیاده روی، خشونت و سخت گیری در روند آموزشی پرهیز نمود؛ زیرا هدف از آموزش مفاهیم دینی، برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه های دینی است و نه صرفاً انتقال آگاهی های دینی. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره این سخن را تکرار نموده اند که «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت گیری نکنید»؛ (۲۰) چرا که «خداوند مرا سخت گیر و سرسخت مبعوث نفرمود، بلکه مرا آموزگاری آسان گیر مبعوث نموده است.» (۲۱) شهید مطهری نیز نقل می کند: «پیامبر صلی الله علیه و آله آن گاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «يَا مَعَاذُ بَشْرٍ وَ لَا تُنْفَرُ وَ يَسْرُوْ لَا تُعَسِّرُ»؛ می روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مزده و ترغیب باشد، کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک بکنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. نکته ای که پیغمبر اشاره کرد این بود که «بَشْرٍ وَ لَا تُنْفَرُ»؛ کاری نکن که مردم را از اسلام فرار بدهی و متنفر بکنی. مطالب را طوری تقریر نکن که عکس العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد. (۲۲)

حال با توجه به اصل آسان گیری در آموزش های اسلامی، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی به کودکان از اهمیت بیش تری برخوردار است؛ زیرا بنابر آنچه در بررسی ویژگی های کودکان بیان شد، مفاهیم دینی اموری هستند که با فطرت کودک سازگارند و نیازی به تحمیل و سخت گیری ندارند، سخت گیری زمانی است که آموزه هایی خلاف خواست فطری کودک به گونه ای برای او ترسیم و تکرار شود که آن را بدون فکر و اندیشه بپذیرد. علاوه بر این، مفاهیم و آموزه های دینی سهل و آسان، زمینه های درونی و انگیزشی لازم را برای کودک فراهم نموده، او را به یادگیری مفاهیم و حقایق دینی علاقه مند می سازد. چنان که خشونت و سخت گیری در امر آموزش مفاهیم دینی، کودک را نسبت به اصل دین و تعالیم حیات بخش آن بدبین نموده، آثار و پی آمدهای ناگواری در روحیه لطیف او باقی خواهد گذاشت. بنابراین،

رفتار فوق را در فیلمی مشاهده می کنند. در گروه آزمایشی سوم، کودکان رفتار کودکان رفتار تهاجمی شخصیت ها را در فیلم کارتون می بیند. در گروه آزمایشی چهارم کودکان در هیچ یک از سه موقعیت فوق قرار نمی گیرند و بالاخره در گروه آزمایشی پنجم کودکان به مشاهده ی یک الگو با رفتار آرام، مطیع و غیرتهاجمی مبادرت می ورزند. بعد از مشاهده ی رفتارهای مختلف در زمان معین شده، تمام کودکان در موقعیت یکسانی قرارداد می شوند. آزمایشگر از طریق یک پنجره به مشاهده ی رفتار کودکان می پردازد و رفتارهای تهاجمی شفاهی و عملی آنان را یادداشت می کند. در تحلیل اطلاعات به دست آمده از یادداشت ها به این نتیجه می رسند که: الگوی پرخاشگری را که گروه های اول تا سوم دیده بودند، رفتار تهاجمی بیشتری نسبت به گروه چهارم (گروهی که هیچ موردی را مشاهده نکردند) از خود نشان می دهند و برعکس گروهی که (گروه پنجم) الگوی رفتار آرام، مطیع و غیرتهاجمی را مشاهده کرده بودند، رفتار تهاجمی کمتری نسبت به گروه کنترل (گروه چهارم که هیچ موردی را ندیده بودند) از خود نشان می دادند». (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۶۳)

«کودک، مقلد خوبی است. و به آسانی و بدون هیچ گونه زحمت و مشقتی تنها از راه تقلید می آموزد. او را می بیند، می شنود و پس از مدتی تکرار می کند. برخی پژوهش ها نشان داده اند از سنین تشخیص، یعنی حدود شش سالگی، پسران از پدران تقلید می کنند و دختران از مادران و این تقلید در آنان ناآگاهانه است. کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری الگو می پذیرد و تحت تأثیر دیده ها و شنیده های بسیاری است. همه اطرافیان به گونه ای در او اثر می گذارند و مدل و الگوی کودکند، ولی والدین از همه آنها مهمتر و مؤثرتر هستند و این اهمیت و تأثیر در کودکان تا سنین نوجوانی همچنان تداوم دارد. برای این اساس، وظیفه والدین در این دوران بسیار سنگین است و باید به فرزندان فرصت بدهند تا از اخلاق و رفتار خوب خود بهره مند گردند. اگر سخن ناروا خوب نیست نباید این گونه سخنان را در حضور فرزندان خود جاری کنند، اگر از اولاد خود

انتظار کارخوب دارند باید درکارخیر برای کودکان خود الگو باشند. اگر دوست دارند فرزندشان نماز اول وقت بخواند خود باید پیشگام باشند. والدین باید به گونه ای عمل کنند که فرزندان به آنان دید مثبت داشته باشند. « (مجموعه مقالات نماز و خانواده، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳۴)

نتیجه گیری

آشنا کردن کودکان و نوجوانان با معارف و ارزش های دینی و مذهبی یکی از اصول مهم در تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می شود و روز به روز با توسعه ی زندگی اجتماعی؛ علمی و سیاسی ضرورت آن بیشتر احساس می شود. بنابراین یکی از محورهای مهم و اصلی تربیت باید عمق بخشیدن آموزه های دینی در کودکان و نوجوانان باشد، زیرا در این صورت است که فرزندان از هرنوع آسیب های اخلاقی و اجتماعی مصون می مانند. بسیاری از شرارت های افراد ناشی از نداشتن تربیت دینی و اخلاقی می باشد و درونی شدن ارزش های دینی باعث می شود آنان در برابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند.

تربیت دینی فرزندان را باید از کودکی آغاز کرد. زیرا روح آنان در این زمان انعطاف پذیری قابل توجهی دارد و هرچه انسان بزرگتر می شود از این انعطاف کاسته می شود. با توجه به اینکه کودک در این دوران از حساسیت ها و لطافت های خاصی برخوردار است، باید از بهترین شیوه ها بهره گرفت تا نتایج مفید و مؤثر حاصل شود. یکی از روش های بسیار مؤثر در تربیت تشویق کارهای خوب کودکان و نوجوانان است. تشویق راهی مناسب در ایجاد انگیزش به سوی کارهای مثبت می باشد. تشویق در روح آنان اثر می گذارد و آنها را به انجام اعمال نیک تحریض و ترغیب می کند. یکی دیگر از شیوه ها روش الگویی است. در این روش فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می کند و تحت تأثیر مشاهده از رفتار دیگران پیروی نموده و خود را با آن همساز می کند. روش محبت یکی از عوامل بسیار مهم در جذب افراد می باشد که اثر آن بر روی فرد تربیت شونده عمیق و دراز مدت می باشد. در این مدت مربی می تواند منویات تربیتی

خود را به کودک القا کند و تغییر رفتار را در کودک مشاهده کند. داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به انجام یک کار، دوام و قوام آن عمل را بیشتر خواهد کرد بنابراین روش بصیرت بخشی، روش مؤثری برای نهادینه کردن ارزش ها در کودکان و نوجوانان محسوب می شود. با روش قصه گویی نیز می توانیم در اعماق روح کودک نفوذ کنیم و با بیان قصه های آموزنده و جذاب کودکان را با شخصیت های قصه همانند سازیم.

منابع

۱. قرآن کریم .
۲. نهج البلاغه.
۳. آشتیانی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، گنجینه آداب اسلامی، قم: انتشارات زهیر.
۴. احمدی، احمد، (۱۳۶۴)، اصول و روش های تربیت در اسلام، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی.
۵. امینی، ابراهیم، (۱۳۷۹)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۶. بهشتی محمد، (۱۳۷۹)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات سمت، ج ۲.
۷. پیازده، ژان، پیرهانری سیمون، (۱۳۹۶)، ترجمه عنایت الله شکیباپور، روان شناسی کودک و اصول تربیتی جوانان، تهران: کتاب فروشی نیما.
۸. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات نماز و خانواده، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ج ۲ و ۱.

۹. حسینی زاده، علی، (زیر نظر علیرضا اعرافی)، (۱۳۸۳)، سیره تربیتی پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه، ج ۲.
۱۰. خادمی، عین الله، (۱۳۷۹)، بررسی عوامل مؤثر بر درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان، تهران: انتشارات اداره کل آموزش و پرورش.
۱۱. دفتر تحقیقات و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۶۹)، اخلاق و تربیت اسلامی، انتشارات چاپ و نشر ایران.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشار دریا.
۱۳. شرفی، محمدرضا، (بی تا)، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. شعبانی، حسن، (۱۳۷۱)، مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. عطاران، محمد، (۱۳۶۸)، آرای مربیان بزرگ مسلمان در باره تربیت کودک، تهران: وزارت آموزش و پرورش - دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه ها.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، (بی تا) میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، تعلیم و تربیت در اسلام، قم: انتشارات صدرا.
۱۸. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹)، علوم قرآنی، انتشارات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۱۹. مولوی، جلال الدین (۱۳۷۲)، مثنوی معنوی، تهران: انتشارات نگاه.

٢٠. نوری طبرسی، حسین، (١٤٠٨)، المستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

٢١. مجلسی، محمدباقر، (١٤٠٣)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

منبع: نشریه مجموعه مقالات (قرآن و اخلاق) ج ٢